



به مناسبت ۱۵ شوال؛ منزلت عبدالعظیم از زبان معصومین(ع)/ عبدالعظیم در کلام علمای اسلام

سید جلیل القدر، حضرت عبدالعظیم حسنی، در میان فرزندان ائمه هدی(ع) از مقام و منزلت والایی برخوردار است که غالب دانشمندان و نوابغ عالم اسلام، هر کدام به نوبه خود، او را ستایش کرده اند.

سید جلیل القدر، حضرت عبدالعظیم حسنی، در میان فرزندان ائمه هدی(ع) از مقام و منزلت والایی برخوردار است که غالب دانشمندان و نوابغ عالم اسلام، هر کدام به نوبه خود، او را ستایش کرده اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن پیش رو به مناسبت ۱۵ شوال، سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی از نظر می گذرد؛

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، در چهارم ربیع الثانی سال ۱۷۳ هجری در شهر مدینه چشم به جهان گشود. ایشان فرزند عبدالله بن علی، از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود که نسبتش با چهار واسطه به آن حضرت می رسد.

عبدالعظیم، از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه معصومین(ع) و نیز از چهره های بسیار محبوب و مورد اعتماد، نزد اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به شمار می رفت. دوران وی، گرچه عصر حاکمیت عباسیان و ایجاد خفقان و سخت گیری نسبت به شیعیان بوده است، ولی مدافعان دین و حافظان مکتب که روایات امامان را ثبت و نقل می کردند، نقش عمده ای در پاسداری و صیانت از فرهنگ والای اهل بیت(ع) داشتند و این بزرگوار نیز یکی از سنگربانان عقیده تابناک تشیع محسوب می شود که در حفظ و انتشار سخنان ائمه اطهار، سخت کوشا بود و ستایشهای فراوان ائمه(ع) از وی نشان دهنده شخصیت والای علمی و معنوی وی می باشد.

مقام و منزلت عبدالعظیم از زبان معصومین(ع)

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» می نویسد: «وقتی که حضرت عبدالعظیم(ع) خدمت امام هادی(ع) مشرف شد و عقاید خود را اظهار نمود، امام فرمود: تو از دوستان حقیقی ما هستی.»^۱

و نیز مؤلف کتاب «جنة النعیم» می گوید: شخصی به نام ابا حماد رازی - از شیعیان و موالیان شهر ری - با وجود مشکلات آن زمان به سامراء رفت و خدمت امام زمانش حضرت علی النقی(ع) رسید و مسائلی را پرسید. امام، ضمن پاسخ به مسائل او، فرمود: ای ابا حماد! هرگاه مشکلی از امور دینی برایت پیش آمد، جواب مشکل خود را از عبدالعظیم حسنی بخواه و سلام مرا به او برسان.^۲

عبدالعظیم در کلام علمای اسلام

سید جلیل القدر، حضرت عبدالعظیم حسنی، در میان فرزندان ائمه هدی(ع) از مقام و منزلت والایی برخوردار است که غالب دانشمندان و نوابغ عالم اسلام، هر کدام به نوبه خود، با عباراتی بدیع و بیاناتی لطیف، او را ستایش کرده اند؛ که بیان برخی از آنها در اینجا جالب توجه بوده، موجب معرفت بیشتر به آن حضرت می گردد:

شیخ بزرگوار، صدوق می نویسد: «حضرت عبدالعظیم(ع) شخصی خدا پرست، پارسا و پسندیده ی خدا و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و مردم بوده است.»^۴

صاحب بن عباد که یکی از علمای اهل تسنن و وزیر فخر الدوله بوده است، می گوید: عبدالعظیم حسنی(ع) مردی با ورع، پارسا و پرهیزگار و دیندار و خدا پرست، معروف به امانت داری و دارای صداقت لهجه، دانای به امور دین و گویای توحید، و عدل بسیار بود. در زمان خودش در علم و ادب و فضل و دانش و تقوا، بعد از امام زمانش، برتمام معاصران خویش برتری داشته، هیچ کس را منزلت او نبوده و به تمام معنا تبعیّت و تقلید از حضرات ائمه(ع) می نمود و در اولاد و احفاد حضرت امام حسن مجتبی(ع) کسی به قدر مرتبه و مقام او نرسیده است.^۵

نجاشی نیز در کتاب «رجال» خود درباره شخصیت حضرت عبدالعظیم می گوید: عبدالعظیم(ع) در حال خوف و فرار از خلیفه، وارد شهر ری گردید و در سرداب منزل یکی از شیعیان ساکن شد؛ وی در آن زیر زمین، که مخفی گاه او بود، روزها را روزه می داشت و شب ها را به نماز مشغول می شد.^۶

یکی از ویژگی‌های مهم در زندگی حضرت عبدالعظیم (ع) این بود که توفیق یافت محضر پرفیض سه حجت الهی را - که عبارتند: از امام رضا، جواد و امام هادی (ع) - درک نماید، از تعالیم آن بزرگواران بهره مند گردد و سخنان و روایات آنان را به نسل‌های بعد منتقل نماید. وقتی امام رضا (ع) در مدینه به سر می‌برد، برای حضرت عبدالعظیم (ع) امکان دیدار با حضرتش فراهم بود؛ پس از شهادت آن حضرت، که امامت به امام جواد (ع) رسید، در آن مدت که امام نهم در مدینه بود، این سعادت و توفیق همچنان برای حضرت عبدالعظیم (ع) فراهم بود که با آن حضرت، تماس و دیدار داشته باشد و از دانش آن بزرگوار، بهره گیرد. گاهی نیز سؤالات خود را به صورت نامه از امام می‌پرسید و جواب مکتوب از امام دریافت می‌کرد.

سرشارترین و حساس‌ترین مقطع حیات حضرت عبدالعظیم، دوران امام هادی (ع) بود؛ گرچه امام هادی (ع) بخشی از عمر خویش را در منطقه حفاظت شده نظامی و تحت نظر، در «سامرا» گذراند و در آن دوران، امکان ارتباط شیعیان با آن حضرت، کمتر و با مشکلاتی همراه بود؛ اما عبدالعظیم حسنی (ع) در همان زمان هم به محضر امام هادی (ع) می‌رسید و از او رهنمود می‌گرفت.

علت هجرت به ری

علت مهاجرت حضرت عبدالعظیم (ع) از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر، جستجو کرد. خلفای عباسی نسبت به خاندان پیامبر (ص) و شیعیان ائمه (ع) بسیار سخت‌گیری می‌کردند. یکی از خشن‌ترین و بد رفتارترین این خلفا، «متوکل» بود که دوران خلافتش، نه تنها چندین بار مزار سیدالشهداء (ع) را در کربلا تخریب کرد، از زیارت قبر آن حضرت نیز جلوگیری می‌نمود. امام هادی (ع) با پنج نفر از خلفای عباسی - از جمله متوکل - هم عصر بود. متوکل، برای مصون ماندن از خشم انقلابی مردم مظلوم و جلوگیری از تجمع شیعه بر محور وجود امام هادی (ع) آن حضرت را از مدینه به سامرا برد، تا تمامی فعالیت‌ها و ارتباطات آن امام را زیر نظر داشته باشد حتی چندین بار مأموران خلیفه به خانه‌ی امام ریختند و با گستاخی تمام، به تفتیش خانه‌ی آن حضرت پرداختند. وقتی نسبت به امام معصوم، با آن موقعیت حساس، اینگونه برخوردهای تند وجود داشت، درباره پیروان آنان و شخصیت‌های رده‌ی بعدی، سختگیری و خوف و خطر بیشتری بود.

از آنجا که حضرت عبدالعظیم (ع) بعضاً به خدمت امام هادی (ع) در سامرا می‌رسید و از محضرش استفاده می‌نمود، جاسوسان خلیفه ارتباط ایشان را با امام هادی (ع) گزارش نمودند و در پی آن، خلیفه دستور تعقیب و دستگیری وی را صادر کرد و لذا حضرت عبدالعظیم حسنی برای مصون ماندن از خطر خلیفه‌ی عباسی، خود را از چشم مأموران پنهان می‌کرد و در شهرهای مختلف به صورت ناشناس، رفت و آمد می‌کرد و این وضع ادامه داشت تا اینکه حضرت عبدالعظیم به شهر «ری» رسید و در آنجا قصد اقامت نمود. ۷

غروب خورشید

روزهای پایانی عمر پر برکت حضرت عبدالعظیم (س) با بیماری همراه بود. آن قامت بلند ایمان و تلاش، به بستر افتاده بود و پیروان اهل بیت (ع) در آستانه‌ی محرومیت از وجود پر خیر و برکت این سید کریم قرار گرفته بودند. عبدالعظیم حسنی (ع) علاوه بر رنجی که از بیماری و غربت و دوری از خویشاوندان می‌برد، اندوه مصیبت‌های پیاپی مردم و روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان، برایش جانکاه بود. او با ذکر پیوسته خدا و عبادت به روح خود آرامش می‌بخشید و بار غربت و بیماری را بردوش می‌کشید.

بنابر قول مشهور، خورشید فروزان ری، حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در پانزدهم شوال ۲۵۲ هجری، غروب کرده و در پی آن شعله‌ی دیرپای حق و ایمان در آن دیار، فرو خوابید. خبر درگذشت آن بزرگوار، دهان به دهان گشت و مردم شهر، جملگی سیاه پوش شدند و بر در خانه‌ی آن حضرت صدا به گریه و شیون بلند کردند و پس از آنکه پیکر مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در میان خیل عظیم مردم تشییع شهر، در آن شهر به خاک سپرده شد.

قرن هاست که حرم با شکوه حضرت عبدالعظیم (ع)، با جلوه‌ای ملکوتی و معنوی که داشته، کهربای جانهای مشتاق و دل‌های پاک بوده است و همواره قلوب اهل معرفت، کبوتر وار برگرد حرمش طواف کرده است.

فضیلت و ثواب زیارت

فرهنگ زیارت در مکتب شیعه، از شیوه های اساسی احیای نام و یاد بزرگان، عالمان و اولیای خدا است. حضور یافتن در کنار قبور انسانهای والا و برجسته، هم ارج نهادن به پاکی و صداقت و ایمان و جهاد آنان است و هم الگوگیری از زندگی و الهام جویی از نام و یاد ایشان است، لذا تشویق های بسیاری که در روایات اسلامی پیرامون زیارت مرقد ائمه ی معصومین و امامزادگان بزرگوار آمده است، یک دستور تربیتی و ارشادی است. زیارت حرم باصفای حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام نیز در همین راستا مورد تأکید و توجه بوده است که در روایتی از امام هادی (ع) آمده است که هر کس قبر حضرت عبدالعظیم (ع) را زیارت کند، خداوند بهشت را به او پاداش می دهد! ۸

و همچنین در نقل دیگری آمده است که مردی از اهل ری، خدمت امام هادی (ع) رسید. امام از او پرسید: کجا بودی؟ گفت: به زیارت سید الشهداء (ع) رفته بودم. حضرت فرمود: بدان که اگر قبر عبدالعظیم حسنی را زیارت کنی، گویا حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده ای. ۹

اینکه زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) پاداش بهشت دارد و یا همچون زیارت کربلا ارزشمند است، دلیل و نشانه ی مقام والا و عالی آن سید بزرگوار در نزد خدا و اهل بیت عصمت (ع) است؛ چراکه وی در آن دوران سخت و پرخطر، مطیع امامان بود و فروغ احادیث و کلمات نورانی ائمه ی اطهار (ع) را در شهرهای مختلف می گستراند؛ لذا فعالیت او در چنان شرایط خطیر از ارزش خاصی برخوردار بود.

پی نوشت ها:

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱.

۲- اختران فروزان ری، ص ۳۷.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۰.

۴- امام زادگان ری، جلد ۱، ص ۷۴.

۵- رجال نجاشی، ص ۲۴۷.

۶- روح و ریحان، ص ۲۴۸.

۷- همان منبع، ص ۱۲۲.

۸- کامل الزیارات، ص ۳۲۴..